

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۴



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
خاتم الانبياء والمرسلين وعلى اله وصحبه
من تبعه بالاحسان اجمعين.

از آنجا که اندیشه و منهج عقیدتی انسان نقش اساسی و کلیدی در زندگی ایفاء می‌کند و در واقع بسان زیر بنایی می‌ماند که حیات انسان بر اساس آن شکل می‌گیرند و جهت می‌یابد و مخصوصاً در چنین شرایط حاد زمانی که عقیده صحیح از طرف دشمنان آگاه و به ظاهر دوستان ناآگاه در هاله‌ای از کج‌اندیشی و ابهام قرار می‌گیرد توضیح آن و روشنگری در این زمینه از جمله وظیفه مهمی است که متعهدان به رسالت رسولان الهی باید به آن عمل کنند. آری در همین راستا بر خود لازم دانستیم که شمه‌ای از عقاید اهل سنت و جماعت را به صورت موجز مختصر مطرح تا شاید اگر الله تعالی بخواهد چراغی بر سر راه پویندگان این مکتب باشد، که ره پوئیدن بدون آن خطاست و بی‌توجهی به آن گناهیست که سرانجامش خسران ابدیست چنانکه در قرآن کریم خطاب به رسول رب العالمین گفته می‌شود:

﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
(زمر ۶۵)

اگر شرک قرار دهی «از منهج توحید و عقیده صحیح دور شوی» عملت باطل می‌گردد و از جمله زیانمندان خواهی شد.

اولین اصل مهم و اساسی در عقیده که زیر بنای تمام اصول و فروع اسلام است توحید می‌باشد که اگر انسان در پذیرفتن آن دچار اشکال شود ایمانش به همه اصول و فروع دیگر، او را

وارد جرگه ایمان نخواهد کرد و آن نیز ایمان به احادیث الله تعالی در خلقت است یعنی هر چیزی که موجود بوده و یا قدم به دایره حیات و زندگی می‌گذارد آفریده شده الله تعالی می‌باشد و او تنها ذاتیست که همیشه بوده و حیاتش تفسیر گر همه هستیهاست و تمام جهان نشان و علامت وجود اوست.

﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (عد: ۱۶)

حتی اعمال اختیاری انسان نیز در این دایره می‌گنجد یعنی اگر الله تعالی نخواهد هیچ فعل اختیاری نیز به اراده انسان از او متحقق نمی‌گردد پس دایره ملک و ملکوت همگی مخلوق و مربوب رب العالمینند و هیچ چیز از این قاعده مستثنی نیست و انسان نیز با عقل و خرد خویش این حقیقت را در می‌یابد. چنانکه قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾ (طور ۳۵)
«آیا از هیچ خلق شده‌اند یا خود خالق خویشند.»

به همین خاطر است جبیر ابن مطعم که یکی از اصحاب کرام است گوید: «وقتی این آیه را شنیدم روحم می‌خواست پرواز کند و همان زمان بود که ایمان در دلم مستقر گشت.»

توصیف و چگونگی این ذات مقدس که منشاء و مربی هستی است بهمانگونه است که خود توصیف می‌کند، فهم انسان در این وادی قاصر است به قول شاعر فارسی زبان:

نتوان وصف توجستن که تودروهم نگنجی
نتوان شبه توجستن که تودرفهم نیائی

بنابراین ما اهل سنت هر چیزی را که الله تعالی در کتابش در مورد خود بیان کرده و یا رسولش در توصیف پروردگار ذکر کرده، بدون توصیف و تکلیف و بی آنکه به چیزی تشبیه کنیم و بدون انکار و تأویل و تحریف میپذیریم همچنانکه به صفات ثبوتی و ذاتی الله تعالی چون علم و قدرت و حیات و اراده و سمع و بصر و کلام معتقدیم و بخاطر وجود این صفات در مخلوقات منکر وجود آن در خالق نیستیم. به صفات خبری الله تعالی چون، دست و صورت و پا، نزول و حرکت، علو و استوی بر عرش معتقدیم و چون بقیه صفات بخاطر مشابَهت و وجود آن در مخلوقات منکر وجود آن در خالق نمی‌شویم و بدون تحریف و تعطیل و بدون تکلیف و تمثیل ایمان به آن را واجب می‌دانیم و جواب امام مالک رحمه الله رانصب العین این تفسیر قرار می‌دهیم آنهنگام که از استوی از وی پرسیدند جواب داد: استوی در لغت معلوم است که به معنی استقرار گرفتن بر چیزی است اما ماهیت آن در مورد الله تعالی معلوم نیست، ولی چون در قرآن وارد شده است ما آن را بعنوان وصف او قبول داریم و واجب است به آن ایمان داشته باشیم و سؤال کردن در این زمینه را بدعت می‌دانیم.

و این عقیده اهل سنت و جماعت می‌باشد جهت اطلاع بیشتر میتوان به کتب عقیدتی در این زمینه چون رساله التدمیه ابن تیمیه و کتاب السنه ابوالقاسم الالکانی و دیگر کتب مراجعه کرد، پس دعوت پیامبران در طول تاریخ برای عبادت ذات مقدس و موجودی بوده است که موصوف به صفاتی است که الله تعالی خود بیان کرده است، چنانکه ابن مبارک رحمه الله در توصیف آن می‌فرماید: "الله ربنا فوق سماواته علی

عرشه بائن من خلقه" پروردگار ما بر بالای آسمانها روی عرش قرار دارد و از مخلوقات خویش جداست، پس جهان از الله جداست و الله تعالی داخل در جهان نیست، و بواسطه علم و قدرتش همه چیز را می‌داند و انجام می‌دهد، باینحال او جهان و انسان را خلق کرده است که موجودات با اختیار خویش او را عبادت کنند و این سرلوحه دعوت همه پیامبران بوده است. ﴿يَقُولُ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ (اعراف: ۵۹) «ای قوم من الله را عبادت کنید که غیر او را برای شما مستحق عبادت نمی‌دانم.» عبادت چیزی است که الله تعالی بوسیله پیامبران تشریع کرد تا چه گفتار و اعمالی انسانها انجام دهند و چگونه انجام دهند که به مقام قرب الله برسند. در این مرحله از توحید باید توجه کرده هر چه را که الله تعالی خواسته و به انجامش راضی است فقط برای او انجام دهیم. پس در عبادت دوش شرط اساسی موجود می‌باشد: اولاً؛ شکل عبادت ثانیاً؛ قصد و نیت عبادت. هر دو باید الی الله باشد اگر قصد الله باشد ولی شکل آن مورد قبول او نباشد و فاقد تأیید شرع باشد بدعت است و ضلالت، و اگر به قصد غیر او باشد شرک است، بنابراین نماز، روزه، زکات، حج، دعا و ذبیح، نذر، طواف، خوف و همه چیزهایی که الله به آن وسیله عبادت می‌شود را باید برای او انجام داد، که انجام دادن آن برای غیر الله هر کس که باشد موجب شرک و دوری از رحمت الله تعالی می‌شود و دقیقاً معنی لا اله الا الله نیز همین است که رسول الله (ص) در اولین روزهای دعوت اقرار و اعتراف به آن را از مردم می‌خواست که هیچ معبود به حقی جز الله وجود ندارد و هر آنچه غیر از او اعم از ملائکه، جن، پیامبر و یاولی که باشد همگی معبودان باطلند و معبود به حق تنها الله است. ﴿ذَلِكَ

بَارِئُ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْتَ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ﴾ (حج: ۶۲) «به تحقیق الله حق است و هر چه جز او عبادت شود باطل است» تأمل در این اصل اساسی بسیار لازم است چون شرکی که بیشتر مسلمانان به آن دچار شده اند بطوریکه غیر الله را عبادت می‌کنند و حق خالص او را به غیرش می‌دهند ناشی از جهل در همین مورد اساسی است. رسالت پیامبران نیز دقیقاً در همین راستاست، آنها نیامده اند که مردم را به عبادت خویش دعوت کنند از مردم امتیاز خاصی نخواسته اند و برای خویش نیز بر مردم امتیازی قائل نبوده اند، همانند مردم زیسته و با آنها معاشرت داشته اند و خود را نیز چون بقیه انسانها مکلف به احکام شرع دانسته و در این میدان گوی سبقت را از همه ربوده اند. آنها مأموریتی داشتند که رسول رب العالمین برای رساندن پیامش به بشر باشند. که خلاصه آن همین است: ای مردم الله را عبادت کنید، عزت و سربلندی دنیا و آخرت در گرو همین اصل است، همان کسی که خالق شماست، معبود شماست، آگاه باشید که هر آنچه الله تشریع کرده و هرامری که او به آن حکم کرده و هر دستوری را صادر نموده، اجرائش باعث سعادت است، از شیطان و هواهای نفسان پیروی نکنید که باعث گمراهی در دنیا و عذاب روز بقاست، دنیا را خانه بقا مپندارید و با آخرت معاوضه نکنید که شقاوتمند خواهید شد. این چکیده پیام انبیاء و رسولان الهی بوده است و همگی به این اصول مشترک دعوت کرده و بر همین اساس اهل سنت و جماعت به همه پیامبران الهی مؤمنند، همچنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾ (بقره: ۲۸۵)

«بین هیچکدام از پیامبران الهی فرقی نمی گذاریم.» پس مؤمن کسی است که به همه پیامبران مؤمن باشد، کسی که به محمد(ص) ایمان نداشته باشد مؤمن نیست و کسی که به عیسی و موسی ایمان نداشته باشد مؤمن نیست چون لازمه ایمان به پیامبر خاتم، ایمان به همه آن چیزهایی است که او لازم دانسته و از طرف الله تعالی به آن خبر داده است، لازمه ایمان به دین پیامبر(ص) ایمان به تحریف ادیان قبلی است. پس کسی که بردین مسیح یا یهودی باشد، معنی آن ماندن بردین تحریف شده، و غیر رضای الهی است که الله تعالی فقط از دین محمد(ص) راضی است و آن را برای بشر تاروز قیامت برگزیده و جزء آخرین آیات پیام نورانی پروردگار است: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده ۳)»

راضی شدم که اسلام دین شما باشد. و در آل عمران فرمود هر کس جز آن را بپذیرد از دین من خارج است، و هرگز طریقه و راهی که جز بر مسلك و روش محمد(ص) باشد را از کسی نمی پذیرم. ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران ۸۵) پس اصل و اساس اسلام بر این دو پایه توحید و رسالت دورمی زند. اولی عبودیت را در الله تعالی خالص میگرداند و دومی چگونگی آنرا تفسیر و توضیح میدهد، که اقرار و اعتراف و التزام به این دو اصل باعث ورود به جرگه مسلمانی خواهد شد. بنابراین دین مورد رضای الله (ج) اسلام است و غیر از اسلام به هیچ دینی دیگر راضی نیست و توضیح و تفسیر اسلام را باید از مذخلی که رسول الله(ص) نشان داده باز گرفت، چنانکه جزو وصایای حضرتش میباشد که من در بین شما دو چیز گرانبهار از خود

باقی میگذارم، تازمانی که به آن دو تمسک جوئید و چنگ بزنید گمراه نمی شوید و آن دو نیز کتاب الله و سنت من می باشد. بنابراین مجموع قرآن و سنت با هم اسلام است کسانی که به بهانه واهی ساختگی بودن احادیث، قرآن را تنها منبع صحیح معرفی می کنند. برخلاف قرآن و سیره صالح سلف و خلف رأی داده اند چون خود قرآن مارا به سنت مطهر راهنماست. قرآن ایمان به حکمیت رسول الله(ص) را شرط ایمان میدانند، در هنگام نزاع مراجعه به او را پیشنهاد می کند، امر به اطاعتش می کند و دستور می دهد هر چه را که به شما میگوید از او بگیری و اطاعت کنی و رسولش را شارح و مبین قرآن قرار داده است و الله تعالی خود را حافظ دینش اعلام می دارد. راستی اگر احادیث رسول الله(ص) صحیح و سالم به ما نرسیده باشد چگونه می شود از حفظ دین که قرآن می فرماید، دفاع کرد. و در احادیث صحیح و معتبر به ما رسیده که رسول الله(ص) سنت خویش را چون قرآن به مردم معرفی کرده است. «ألا انی أوتیت القرآن ومثله معی؛ آگاه باشید که قرآن و مثل آن به من داده شده است» بنابراین حلال و حرام اسلام تاروز قیامت همان چیزی است که در قرآن و سنت رسول الله(ص) آمده و هیچ تغییر و تبدیلی نمی پذیرد. کاش انحراف در همین حد باقی می ماند. بعضی که احادیث را اینگونه ناجوانمردانه مورد تاخت و تاز خویش قرار داده اند سخن از عدم فتوی به قرآن می دهند و می گویند: «باز تأکید میکنم که به کتاب و سنت فتوی ندهید و به روایات استناد نکنید و إلا ممکن است» همچنانکه قبلاً توضیح داده ام» دچار افترا در دین و خیانت به خدا و رسول خدا(ص) گردید. نامه شماره ۶

صفحه ۶ «و این اندیشه رانیز ملهم از رسالت صغرای رسول اکرم(ص) در رؤیاهای صادقانه بداند. آری؛ وقتی از سیره سلف صالح جدا شدیم و سنت رسول الله(ص) را جا گذاشتیم به خواب و خیالها فرو می رویم و آن رانیز ملهم از رسالت صغری می نامیم و متأسفانه بر اساس همین الطاف خفی این باور شکل می گیرد که «اکنون مانند اکثر ادوار تاریخ ممکن است یک نفر کافر وجود نداشته باشد نامه شماره ۶ صفحه ۵» و اعلام دارند این باور ناشی از آشناتر شدن با قرآن می باشد، این گرایشات و تمام انحرافات دینی در طول تاریخ آن هنگام شکل می گیرد که اندیشه بشری و تجارب شخصی اصل و منقول، و آیات خداوندی تفسیر گر و دنباله رو آن می شوند. ملاقات با افراد معلوم الحالی که در شرف اجرای حکم اعدامند، چنان کسی را تحت تأثیر قرار می دهد که به بسیاری از مسلمات دینی پشت و به تأویل و تفسیرات نادرستی دست بزنند، حال آنکه قرآن حال بسیاری از گردنکشان را نشان می دهد که در ساعات قبل از مرگ آهنگام که همه راههای نجات را بر خود بسته می بینند، ایمان می آورند چنانکه فرعون لحظات پیش از غرق شدن گفت: ﴿ءَاْمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَاْمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِيلَ﴾ (یونس ۹۰) الله تعالی فرمود: حالا ایمان می آورید در حالیکه تاکنون معصیت و نافرمانی خداوند را کرده اید. به شهادت قرآن خیلی ها در جهل به دین انبیاء باقی مانده اند در حالیکه مستحق عذاب الهی گشته اند، چون خود نخواسته اند، اعراض کرده اند به همین دلیل جهلشان برایشان عذر نبوده و در شرایط فعلی با وجود گسترش تبلیغی وسیع دین معتقدیم حجت بر مردم تمام شده است و دین به مردم

ابلاغ شده و درهمین راستا مبارزات حق خواهانه اهل ایمان درجهان بین کفر و اسلام شکل گرفته « اهل ایمان در راه الله و اهل کفر در راه شیاطین باهم درنبردند » و در این راستا وظیفه مسلمین اینست که با صف مشخص در حرکتها شرکت جویند دنباله رو هیچ حزب و گروه و فردی که منهجش بر راستای قرآن و سنت قرار ندارد و هدفش اعلاء کلمه الله نیست ، قرار نگیرند، اهل ایمان را دوست داشته باشند و برای اجرای فرمان الله تعالی دیگران را دعوت نمایند و با کافران و دشمنان دین محمد (ص) مخالفت نمایند که مسیرها از هم جداست. » آنها مردم رابه آتش و عذاب الهی دعوت می کنند والله (ج) مردم را دعوت میکند که به بهشت و مغفرت پروردگار وارد شوند. « عاقبت مادر باز گشت از این گذر فانی قطعی و حتمی است و ملاقات پروردگار گریز ناپذیر است. عذاب خدا در کمین است و ایمان به این بازگشت جزء اصول بنیادین و ریشه ای هر مسلمانی است که اگر قیامت نبود، حیات، تفسیر و معنی نداشت ، بنابراین ما از توحید شروع و بر اساس توحید زندگی می کنیم، به حیات توحید در جوار رحمت احد الصمد بر می گردیم. اما توجه کنیم ایمان به همان گونه که در انسان شکل می گیرد قابل نقض نیز می باشد که از جمله مهمترین آنها شرک به الله تعالی در عبادت است که بر اساس تقالید کور و سنتهای غلط ، اکثر مردم، در بین مسلمین به آن مبتلا شده اند که کمترین مورد آن ، از مردگان درخواست رفع مشکلات و حوائج را نمودن و برای آنها نذر و ذبح کردن و غیر خداوند رابه فریاد طلبیدن است. اموات را واسطه بین خود و الله بعنوان شفیع قراردادن و بر او توکل کردن و درخواست بخشش گناه کردن است.

حکم کردن به اینکه کفر وجود ندارد و مشرکین را کافر ندانستن و یا در کفر آنها شک کردن باعث ارتداد است چون بی توجهی به تمام آیات و احکام دین و نتیجه آن تعطیلی احکام اسلام است. مناهج و برنامه های غیر اسلامی اعم از کمونیستی یا دموکراسی های روز راد حالت کلی و جزئی از برنامه های اسلام بهتر دانستن ، یا اسلام را برای امروز نامناسب و قوانین آن را برای حالا جائز ندانستن ، انسان مسلمان را دچار کفر و ارتداد می نماید. کمک و یاری مشرکین و همکاری با آنها به صراحت قرآن کفر است: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ (مائده: ۵۱) مسخره کردن آیات الهی و بغض و کینه نسبت به احکام و دستورات دین و اعتقاد داشتن به اینکه می شود از راههای غیر قرآن و سنت دین را بدست آورد. باعث خروج از اسلام می گردد و اعراض نمودن و روی گرداندن از دین بطوری که نه بخواهد یاد بگیرد و نه به آن عمل کند باعث کفر است چنانکه الله تعالی میفرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ

أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٥﴾

انجام دادن این نواقض یا یکی از اینها به شوخی یا جدی یا از روی ترس موجب کفرند مگر اینکه کسی بر انجامش مجبور شود و قلبش مالا مال ایمان باشد آن هنگام عذرش مقبول است.

والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم

تألیف : محمد بن عبدالوهاب